

ادامه از صفحه اول

چند تحلیل دیر هنگام

آب به آسباب رقیب

اما اگر بخواهیم از مقایسه‌های کلاسیک، یعنی «قیاس» بین خود و دیگری دست برداریم و به «تفاوت» خود با خود بپردازیم، نتیجه‌ای دیگر به‌دست می‌آید. اینکه اصلاح‌طلبان امروز با اصلاح‌طلبان دیروز در اثرگذاری بسیار ناتوان‌تر شده‌اند. اصلاح‌طلبان همیشه در عقبه خود مردمی را داشته‌اند. این مردم، به‌دلیل مواضع و برخورد‌های آنها در این سالیان کم‌وزاد شده‌اند اما به‌کلی از بین نرفته‌اند. اصولگرایان هم «ما نیز مردمی» بوده‌اند که طرفداران‌شان را با شمایلی هویتی و گاه منفعتی سروسامان داده و وارد کارزارهای انتخاباتی کرده و برخی مواقع هم در برابر مخالفان‌شان قرار داده‌اند. اصولگرایان و رسانه‌هاشان تا قبل از خرداد نودودو، همواره کم‌وزیاد قدرت هم‌ونیک‌کردن افکار و خواسته‌هاشان را داشته‌اند اما اینک قادر نیستند جریانی را در جامعه راهبری کنند، حتا جریانی کاملا کلاسیک و گوش‌به‌فرمان را. زمان زیادی از دورانی نگذشته که رسانه‌های اصولگرا می‌توانستند فکر یا موضعی سیاسی را تبلیغ و طرفدارانشان را تهییج کنند تا ایده‌ای سیاسی عملیاتی شود، یا برعکس اگر طرفداران‌شان دست به عمل سیاسی خودانگیزخته یا برساخته زدند، به‌سرعت آن را تئوریزه کرده، شکل و محتوایی جدی به آن دهند تا از آن خود کنند. اگر اصولگرایان و رسانه‌هاشان بپذیرند که اثرگذاری خود را از دست داده‌اند باید علت را در درون خود جست‌وجو کنند. پرتاب این پرسش به بیرون از دایره خودی‌ها فقط ناامیدی و یاس‌شان را تسکین خواهد داد، وگرنه واقعیت هموار پابر جاست. این روزها اصولگرایان از سیاست، بسیار آموخته‌اند و گرچه این تجربیات را به‌کار نمی‌بندند، اما آموخته‌اند که سیاست، تنها شناخت سیاست یا نیروهای سیاسی نیست، که ابداع و خلق سیاست است؛ ایده‌ای که هم اصولگرایان و هم اصلاح‌طلبان به آن نیاز جدی دارند. اصولگرایان تا دیروز با تئوری دودکانسازی ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها توانستند هر از چند گاهی در رقابت‌ها و جد‌های سیاسی پیروز میان باشند، اما اصرار و استفاده بیش از حد از این تئوری در گذر زمان، نتیجه معکوس داد. از نمونه‌های بارز آن هم، گذگذاری روزنامه‌های اصلاح‌طلب به روزنامه‌ها «زنجیره‌ها» بود. این گذگذاری‌ها ابتدا موجب شد اصولگرایان به رسانه‌های اصلاح‌طلب بی‌اعتماد شوند و بر آنها خشم گیرند، اما در گذر زمان و با پافشاری این گروه‌برداری از گذگذاری روزنامه‌های اصلاح‌طلب، دست به برخوردهای زنجیره‌ای با رویدادهای داخلی و خارجی زدند.

سیاست، شناخت سیاست و تبعات و نیروهای تأثیرگذار، در آن نیست. سیاست، ابداع و خلق آن است. در این زمینه پیامد ناخواسته رفتار رسانه‌های اصولگرا، سیاستی خلق کرد به نفع اصلاح‌طلبان. وقت آن رسیده که اصولگرایان و رسانه‌هاشان بدانند با برخوردهای پوزیتیویستی نمی‌توانند سیاستی ابداع کنند. زی‌را همواره در مسائل به‌دنبال علت می‌گردند و بعد که علت را یافتند به اثبات آن می‌پردازند. در کوتاه‌مدت با درشت‌نمایی و حذف معلول‌ها می‌توان به نتیجه دلخواه رسید اما معلول‌ها همواره یک علت یا علت‌های ثابت ندارند. دل‌درد یک بیمار تنها به‌خطر برخوردی نیست و می‌تواند چند علت دیگر داشته باشد. کمتر زمانی پیش آمده که اصولگرایان دست به تبیین و تحلیل علت‌ها بزنند. هرکس هم که نقدشان کرده و بر آنها خُرده‌ای گرفته، با شبهه‌سازی و تک‌صا‌کردن سدهای متفاوت در مقام پاسخ برآمده‌اند. یعنی علت‌ها را مقایسه کرده‌اند اما از این قیاس به تفاوت‌ها نرسیده‌اند، بلکه به مشابهت دست یافتند. با کنارگذاشتن تفاوت‌ها و چنگ‌زدن به تشابهات ساده‌تر، می‌توان معلول‌ها را حذف کرد. رسانه‌های اصولگرا یر از شبهه‌سازی منتقدان و مخالفان آنها با چهره‌ها و جریان‌های منفی صدر اسلام است، به نظر می‌رسد این روش هم اثرگذاری خود را حتا میان موافقان اصولگرایان از دست داده است. دیگر کمتر کسی است که به این شبهه‌سازی‌ها باور داشته باشد یا آن را جدی بگیرد. سیاست شناخت سیاست نیست، خلق و ابداع آن است. مسئله‌ای که اصولگرایان و اصلاح‌طلبان باید بدانند، اینک پرسش دیگری پیش می‌آید: اگر اصولگرایان و رسانه‌هاشان قادر نباشند جریانی را راهبری کنند و تئوروی را عملیاتی سازند، پس حیات آنها به چه چیزی وابسته است؟ شاید اصولگرایان و رسانه‌هاشان دیگر هم‌ونی پیشین را نداشته باشند، اما هنوز از اتوریته‌ای جدی برخوردارند؛ اتوریته‌ای که می‌تواند جایگاه آنها را حفظ کند و طرفداران‌شان را مجاب و مخالفان‌شان را مرعوب کند. اما اگر آنها به همین نیرو (اتوریت) بسنده کنند، در آینده‌ای نزدیک پشیمان خواهند بود. با اتوریت، نه سیاستی خلق می‌شود و نه حتا شناخت سیاست رخ می‌دهد. تکیه بر اتوریت، آخرین تیر ترکش سیاست است.

شکوفه حبیب‌زاده؛ آن‌گونه که مهدی عسلی، مدیرکل امور اوپک و مجامع انرژی وزارت نفت می‌گوید، مؤسسات مالی و بعضی بانک‌ها و شرکت‌ها در سطح جهانی نیز به معاملات نفت رخنه کرده‌اند. در چنین شرایطی این نهادهای مالی به‌دنبال بهره‌گیری از تغییرات در بازار سهام، قراردادهای محموله‌های نفت را خریداری می‌کنند؛ البته نه با این هدف که این نفت‌ها را به پالایشگاه ببرند؛ بلکه برای اینکه بعد از چند ماه دوباره قراردادهای نفت را بفروشند و سود ببرند. به گفته رئیس سابق مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، تبدیل شدن نفت به دارایی در بازارهای جهانی معامله محموله‌های نفتی در بازارهای مالی، سبب می‌شود تا قیمت نفت بیش‌ازپیش دستخوش تحولاتی شود که پیش‌بینی را برای آینده سخت‌تر کند.

❧ برخی کارشناسان معتقدند نباید وزارت نفت صرف‌تاً صد فروش نفت را در بازارهای بین‌المللی خود برعهده بگیرد و می‌گوید بهتر آن است که بخشی از آن را به بازارباب‌ها بسپارد، همان کاری که شرکت‌های مطرح جهان انجام می‌دهند. چرا وزارت نفت چنین نمی‌کند؟ اگرمانند بعضی کشورهای دنیا بخش خصوصی صنعت نفت در ایران را اداره می‌کرد، فروش و بازاریابی هم خصوصی بود، اما شرکت ملی نفت ایران از ابتدا شرکتی دولتی بوده و بخش بازاریابی و فروش آن که به مدیریت بین‌المللی شرکت معروف است نیز طبعاً دولتی است. همکاران در این بخش تجربیات زیادی در بازاریابی و فروش نفت دارند. مسئله اصلی مالکیت خصوصی یا دولتی شرکت نفت نیست، بلکه کارایی در انجام وظایفی است که برعهده دارد.

در سال‌های اخیر سیستم بانکی ما به‌خاطر تحریم‌ها به مشکلاتی برخورد که سبب شد بازاریابی و انتقال وجوه محموله‌های فروخته‌شده نفت با مشکلاتی مواجه شود. این مشکلات مقامات وقت وزارت نفت را ناگزیر کرد برای دورزدن تحریم‌ها بخش خصوصی را هم دربارازیابی و هم در فروش نفت دخالت دهند. این شرایط معمولاً در فقدان قوانین و مقررات نهادهای ضروری، مشکلاتی مانند رانت‌جویی و فساد مالی ایجاد می‌کند و همین مسائل در کشور ما هم پیش آمد.

با توجه به این تجریبات، در دولت تدبیر و امید به این نتیجه رسیدند با همان روال قبلی کار را ادامه دهند تا از شرایط بحران عبور کنیم و بعد از برطرف‌شدن تحریم‌ها، در یک پروسه بلندمدت، نهادهای بانکی یا نهادهای قانونی لازم را فراهم آوریم تا بتوانیم بخش خصوصی را در فروش و فعالیت‌های بالادستی شرکت دهیم. به‌رحال باید بپذیریم به‌دلیل محدودیت‌های بین‌المللی و مشکلات بانکی برای نقل‌وانتقال وجوه حاصل از نفت و فقدان شفافیت‌هایی که به دلیل شرایط تحریم‌های بین‌المللی است، سپردن این نوع فعالیت‌ها به بخش خصوصی بیشتر باعث ایجاد فرصت‌های فساد و رانت‌جویی می‌شود. امیدواریم پس از برداشته‌شدن تحریم‌ها فرصت برای ایجاد سازوکارهای سالم و قوی رقابتی برای فروش نفت به وجود بیاید. طبعیتاً در آن صورت، شرکت بخش خصوصی در این فعالیت‌ها مفید خواهد بود.

❧ ورود افرادی مانند زنجانی به صورت انفرادی باعث بروز مشکل در این زمینه شده است؟ این افراد بیشتر دلال بودند تا بازاریاب. دلالان نفتی دیگری هم شناسایی شده‌اند؟

ممکن است اسم این افراد را دلال یا واسطه بگذارید، اما بحث ما افراد حقوقی هستند. فرد حقوقی ممکن است یک نفر یا یک شرکت باشد و فعالیت‌هایش ثبت شده باشد. چون نهادها و سیستم بانکی در شرایط بحران و تحریم به صورت عادی عمل نمی‌کنند، این سواستفاده‌ها معمولاً رخ می‌دهد و فرقی نمی‌کند در کدام کشور باشد.

❧ آیا در همه دوره‌ها با این مسائل مواجه بوده‌ام؟ شرایط بین‌المللی و تحریم‌ها در بروز موارد فساد مالی خیلی مؤثر است. در شرایط عادی مبادلات بین‌المللی به صورت شفاف صورت می‌گیرد و دلیلی بر پنهان‌کاری وجود ندارد و اگر دستگاه‌های نظارتی کشور کارشان را درست انجام دهند قاعداً نباید مشکلی پیش بیاید. اما زمانی که به‌خاطر تحریم‌ها طرفین مبادله ناگزیرند نقل و انتقالات را از دید نظارت‌های بین‌المللی مخفی نگه دارند طبعاً این مسائل پیش می‌آید.

بخش بازاریابی و فروش مدیریت بین‌المللی شرکت ملی نفت همیشه یکی از سالم‌ترین قسمت‌های شرکت نفت بوده و به‌جه جز مسائلی که در فروش نفت با دلیل تحریم‌ها به وجود آمد که آن‌هم ارتباطی با این بخش نداشت، خاطرم نمی‌آید از قسمت بازاریابی و فروش نفت مدیریت بین‌المللی شرکت نفت، فساد یا سوءاستفاده‌ای گزارش شده باشد. به این دلیل که نظارت بسیاری در این بخش وجود دارد و افسران این بخش برگزیده و انتخاب‌شده هستند که به کارشان علاقه دارند و همواره افراد سالمی بوده‌اند.

❧ آقای زنگنه به برای ورود و همکاری با ایران با دلال‌ها همراه نشوند. به صورت کلی در این زمینه وزارت نفت راهکاری را در نظر گرفته است؟ شرکت‌های خارجی می‌توانند مستقیماً با بخش

مدیریت بین‌الملل تماس بگیرند تا هر کاری که برای مذاکره و فروش نفت باید انجام شود صورت گیرد. جزئیات تماس با مدیریت بین‌الملل شرکت نفت مشخص است و شرکت‌هایی که در دنیا به ثبت رسیده‌اند می‌توانند به‌راحتی با بخش بین‌الملل شرکت نفت ارتباط بگیرند. مسئولان قسمت بازاریابی و فروش نفت در مدیریت بین‌المللی شرکت نفت دالماً در حال مذاکره هستند که نفت ایران را در بهترین شرایط ممکن به فروش برسانند و هر شرکتی می‌تواند با این بخش در تماس باشد. در واقع اگر شرکتی بخواهد از ایران نفت یا سایر فراورده‌های نفتی را خریداری کند، لازم نیست از طریق واسطه‌ها وارد شود.

❧ به سقوط قیمت نفت در بازارهای جهانی بپردازیم. وزارت نفت برای جبران کاهش درآمد نفت راهکاری در نظر دارد؟

درحال‌حاضر روزانه بیش از ۹۳میلیون بشکه نفت در دنیا عرضه می‌شود که سهم ایران در صادرات نفت خام حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه است. توجه‌کنید مازاد عرضه نفت درحال‌حاضر حدود ۱۰۸ دومیلیون بشکه در روز است، بنابراین کشوری که کمتر از این مازاد، صادر می‌کند نمی‌تواند به تنهایی در قیمت تأثیر داشته باشد؛ چون ایران حتی اگر تمام صادرات خودش را قطع کند، قادر نیست مازاد نفت را از بازار خارج کند. بنابراین تنها راه آن است که ایران از طریق دوستانش و سازمان اوپک برای موازنه بازار نفت کار کند؛ چون اوپک هر روز حدود ۳۱،۶ میلیون تولید می‌کند و حدود ۴۰ درصد در تجارت نفت سهم دارد و این میزان می‌تواند بازار را تحت‌تأثیر قرار دهد.

در سال‌های گذشته و به طور سنتی، وقتی قیمت نفت از حدی پایین‌تر می‌آمد اعضای اوپک تصمیم می‌گرفتند عرضه نفت را در بازار مدیریت کنند تا قیمت بیش از حد پایین نیاید. آخرین بار در سال ۲۰۰۸ میلادی بود که کشورهای عضو در الجزایر جلسه تشکیل دادند و تصمیم گرفتند به دلیل ثبات قیمت نفت، ۴۰،۵میلیون بشکه از سقف تولید اوپک را کم کنند. از ژانویه سال بعد هر کشوری برحسب میزان تولیدش، تولید خود را کاهش داد تا اینکه بازار به تعادل رسید و از تابستان سال ۲۰۰۹ قیمت، دوباره بالا رفت تا در سال‌های بعد به قیمت صد دلار رسید. پس تنها راه ایران برای اینکه قیمت را تحت‌تأثیر قرار دهد، از طریق اوپک است.

❧ اما اوپک درحال‌حاضر قدرت زیادی ندارد. اوپک قدرت دارد اما به دلیل اختلاف آرا در درون آن، به کارگیری آن عاجز است. طبق اساسنامه اوپک، هرگونه تصمیمی درباره کاهش یا افزایش تولید رسمی نفت در سازمان اوپک باید به اتفاق آرا باشد و حتی اگر کشوری مخالف باشد این تصمیم تصویب نخواهد شد. اما علت اینکه تصمیم واحدی گرفته نمی‌شود،اختلاف نظر در تأثیر سیاست‌هاست. عربستان و کشورهای منطقه معتقد هستند اگر الان تولید را کاهش دهیم و قیمت را بالا ببریم، تولیدکنندگان نفت‌های غیرمتعارف تولیدشان را افزایش می‌دهند که باعث می‌شود بازار را از دست دهیم. بنابراین برای اینکه بازار را داشته باشیم بهتر است تولید را افزایش دهیم (با کاهش ندھیم) که ایران، شاید بپذیرد. هزینه تولید نفت در خاورمیانه و در آمریکا بالاتر از بازارهای خارج می‌شود، اما دوباره به شرایط قیمت‌های مناسب برمی‌گردیم. البته این استراتژی پرمخاطره‌ای است، زیرا ممکن است هزینه تولید نفت غیرمتعارف پایین بیاید یا تقاضا برای نفت کاهش پیدا کند.

بنابراین تحلیل عربستان و کشورهای همراش این است اگر اجازه دهیم به اندازه کافی قیمت‌ها پایین بماند در فاصله زمانی کافی، تولیدکنندگانی که هزینه تولیدشان بالاتر از بازارهای خارج می‌شود، در حالی که در آمریکای شمالی و کانادا این میزان حدود ۴۰ تا ۵۰ دلار است. بنابراین تحلیل عربستان و کشورهای همراش این است اگر اجازه دهیم به اندازه کافی قیمت‌ها پایین بماند در فاصله زمانی کافی، تولیدکنندگانی که هزینه تولیدشان بالاتر از بازارهای خارج می‌شوند، و ما دوباره به شرایط قیمت‌های مناسب برمی‌گردیم. البته این استراتژی پرمخاطره‌ای است، زیرا ممکن است هزینه تولید نفت غیرمتعارف پایین بیاید یا تقاضا برای نفت کاهش پیدا کند.

از نوامبر ۲۰۱۴ که این بحث مطرح شد همیشه ایران معتقد بوده این استراتژی مخاطره‌آمیز است چون ما مطمئن نیستیم اگر قیمت‌ها پایین بیاید حتما

اقتصاد

عسلی از فعال شدن بازارهای خالی در خرید و فروش نفت خبر می‌دهد

بانک‌ها معامله‌گران میلیاردی نفت

بعید است تا ۵ سال آینده شاهد نفت بالای ۶۰ دلار باشیم



تولیدکنندگان نفت غیرمتعارف از بازار خارج خواهند شد و همین اتفاق هم افتاد. به‌خاطر اینکه قیمت‌ها که به‌تدریج پایین آمد، تولیدکنندگان غیرمتعارف آمریکایی هم کارایی‌شان را افزایش دادند و هزینه‌های تولید را پایین آوردند به‌طوری‌که حتی توانستند در هزینه‌های نفت ارتباط بگیرند. مسئولان قسمت بازاریابی و فروش نفت در مدیریت بین‌المللی شرکت نفت دالماً در حال مذاکره هستند که نفت ایران را در بهترین شرایط ممکن به فروش برسانند و هر شرکتی می‌تواند با این بخش در تماس باشد. در واقع اگر شرکتی بخواهد از ایران نفت یا سایر فراورده‌های نفتی را خریداری کند، لازم نیست از طریق واسطه‌ها وارد شود.

❧ به سقوط قیمت نفت در بازارهای جهانی بپردازیم. وزارت نفت برای جبران کاهش درآمد نفت راهکاری در نظر دارد؟

درحال‌حاضر روزانه بیش از ۹۳میلیون بشکه نفت در دنیا عرضه می‌شود که سهم ایران در صادرات نفت خام حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه است. توجه‌کنید مازاد عرضه نفت درحال‌حاضر حدود ۱۰۸ دومیلیون بشکه در روز است، بنابراین کشوری که کمتر از این مازاد، صادر می‌کند نمی‌تواند به تنهایی در قیمت تأثیر داشته باشد؛ چون ایران حتی اگر تمام صادرات خودش را قطع کند، قادر نیست مازاد نفت را از بازار خارج کند. بنابراین تنها راه آن است که ایران از طریق دوستانش و سازمان اوپک برای موازنه بازار نفت کار کند؛ چون اوپک هر روز حدود ۳۱،۶ میلیون تولید می‌کند و حدود ۴۰ درصد در تجارت نفت سهم دارد و این میزان می‌تواند بازار را تحت‌تأثیر قرار دهد.

- ساختمان بازار به دلیل پیدایش تکنولوژی و فناوری نفت غیرمتعارف، عوض شده که فشار بسیار زیادی را در بلندمدت بر اوپک وارد می‌کند
- اوپک یک تولیدکننده است که بازار را متوازن می‌کند
- تا همین اواخر این اوپک بود که نقش متوازن‌کننده بازار را بازی می‌کرد.
- الان حداقل در قسمت قیمت‌های بالا، تولیدکنندگان غیرمتعارف آمریکا این نقش را بازی می‌کنند

❧ هزینه‌های گذشته و به طور سنتی، وقتی قیمت نفت از حدی پایین‌تر می‌آمد اعضای اوپک تصمیم می‌گرفتند عرضه نفت را در بازار مدیریت کنند تا قیمت بیش از حد پایین نیاید. آخرین بار در سال ۲۰۰۸ میلادی بود که کشورهای عضو در الجزایر جلسه تشکیل دادند و تصمیم گرفتند به دلیل ثبات قیمت نفت، ۴۰،۵میلیون بشکه از سقف تولید اوپک را کم کنند. از ژانویه سال بعد هر کشوری برحسب میزان تولیدش، تولید خود را کاهش داد تا اینکه بازار به تعادل رسید و از تابستان سال ۲۰۰۹ قیمت، دوباره بالا رفت تا در سال‌های بعد به قیمت صد دلار رسید. پس تنها راه ایران برای اینکه قیمت را تحت‌تأثیر قرار دهد، از طریق اوپک است.

❧ اما اوپک درحال‌حاضر قدرت زیادی ندارد. اوپک قدرت دارد اما به دلیل اختلاف آرا در درون آن، به کارگیری آن عاجز است. طبق اساسنامه اوپک، هرگونه تصمیمی درباره کاهش یا افزایش تولید رسمی نفت در سازمان اوپک باید به اتفاق آرا باشد و حتی اگر کشوری مخالف باشد این تصمیم تصویب نخواهد شد. اما علت اینکه تصمیم واحدی گرفته نمی‌شود،اختلاف نظر در تأثیر سیاست‌هاست. عربستان و کشورهای منطقه معتقد هستند اگر الان تولید را کاهش دهیم و قیمت را بالا ببریم، تولیدکنندگان نفت‌های غیرمتعارف تولیدشان را افزایش می‌دهند که باعث می‌شود بازار را از دست دهیم. بنابراین برای اینکه بازار را داشته باشیم بهتر است تولید را افزایش دهیم (با کاهش ندهیم) که ایران، شاید بپذیرد. هزینه تولید نفت در خاورمیانه و در آمریکا بالاتر از بازارهای خارج می‌شود، اما دوباره به شرایط قیمت‌های مناسب برمی‌گردیم. البته این استراتژی پرمخاطره‌ای است، زیرا ممکن است هزینه تولید نفت غیرمتعارف پایین بیاید یا تقاضا برای نفت کاهش پیدا کند.

بنابراین تحلیل عربستان و کشورهای همراش این است اگر اجازه دهیم به اندازه کافی قیمت‌ها پایین بماند در فاصله زمانی کافی، تولیدکنندگانی که هزینه تولیدشان بالاتر از بازارهای خارج می‌شوند، در حالی که در آمریکای شمالی و کانادا این میزان حدود ۴۰ تا ۵۰ دلار است. بنابراین تحلیل عربستان و کشورهای همراش این است اگر اجازه دهیم به اندازه کافی قیمت‌ها پایین بماند در فاصله زمانی کافی، تولیدکنندگانی که هزینه تولیدشان بالاتر از بازارهای خارج می‌شوند، و ما دوباره به شرایط قیمت‌های مناسب برمی‌گردیم. البته این استراتژی پرمخاطره‌ای است، زیرا ممکن است هزینه تولید نفت غیرمتعارف پایین بیاید یا تقاضا برای نفت کاهش پیدا کند.

❧ آیا عوامل دیگری نیز وجود دارد که براین پیچیدگی بیفزاید؟ مسئله توسعه مبادلات نفت در بازارهای مالی، پیش‌بینی تغییرات قیمت نفت را مشکل‌تر کرده است. چون هرچه می‌گذرد، مؤسسات مالی و بعضی بانک‌ها قیمت‌هایی که افراد کارشان این است که از تغییرات در بازار سهام استفاده کنند، قراردادهای محموله‌های

نفت را خریداری می‌کنند، نه برای اینکه به پالایشگاه ببرند، بلکه برای اینکه بعد از چند صاه دوباره قراردادهای نفت را بفروشند و سود ببرند. در ادبیات بازارهای مالی گفته می‌شود نفت نیز به‌صورت یک دارایی (asset class) درآمده که مردم روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. در گذشته فلزاتی مانند نقره، طلا یا ارزهای مختلف این‌طور بودند که مردم صرفاً برای استفاده از تغییرات قیمت، روی آنها سرمایه‌گذاری می‌کردند. الان قسمت بزرگی از معاملات مالی روی نفت انجام می‌شود و افرادی هستند که بدون اینکه در صنعت نفت کاری داشته باشند، قراردادهای نفت را می‌خرند و هنگامی که قیمت آن افزایش می‌یابد، می‌فروشند تا منتفع شوند یا برعکس موضع فروش می‌گیرند. این عملیات در کوتاه‌مدت می‌تواند باعث نوسان‌های قیمت نفت شود، چون میلیاردها دلار صرف این خرید و فروش می‌شود.

بنابراین پیش‌بینی تغییرات قیمت نفت نیز مشکل‌تر می‌شود. فرض کنید در بازارهای مالی، بانک‌هایی هستند که با نرخ بهره خیلی پایین و نیم‌درصد، می‌توانند وام بگیرند و متقاعد می‌شوند که یک ماه دیگر قیمت نفت قرار است بالا برود. این بانک‌ها میلیاردها دلار در اختیار دارند که می‌توانند محموله‌های بزرگ نفت را برای تحویل در دو ماه آینده خریداری کنند و استفاده مالی ببرند. وقتی این افراد خرید را شروع کردند، عده بیشتری را فرض اینکه لابد اینها اطلاعاتی دارند که نفت می‌خرد، شروع به خریداری می‌کنند که همین امر سبب می‌شود میلیاردها دلار برای خرید محموله نفتی وارد بازار شود که طبیعتاً قیمت را بالا می‌برد. برعکس آن هم ممکن است؛ برای نمونه به‌تازگی نرخ بهره در آمریکا افزایش پیدا کرد، این موضوع هزینه نگهداری انبارهای نفت را افزایش می‌دهد و ممکن است حجم بزرگی از نفت برای فروش عرضه شود که موجب کاهش قیمت نفت می‌شود. بنابراین فعال‌شدن بازارهای مالی برای خریدوفروش نفت به‌عنوان یکی از دارایی‌ها، باعث تلاطم بیشتر قیمت می‌شود و هرچه باعث تلاطم قیمت هر کالایی شود، پیش‌بینی را مشکل می‌کند.

❧ مسئله‌ای در این میان وجود دارد، با توجه به اینکه بانک مرکزی آمریکا نرخ بهره را بمقداری بالا برده، کارشناسان جهان پیش‌بینی می‌کنند دیگر طلا و نفت، تمایل افراد در بازار مالی نباشد. با درنظرگرفتن این احتمال ممکن است پیش‌بینی میسر شود؟

بله، اما به میزان افزایش نرخ بهره بستگی دارد. در روزهای آخر سال قبل، فدرال رزرو نرخ بهره زیربنایی آمریکا را به ۲۵۰ درصد افزایش داد، ولی این میزان هنوز آن‌قدر زیاد نیست که هزینه‌های نگهداری نفت را خیلی بالا ببرد، زیرا وقتی نرخ بهره را بالا می‌برند می‌گویند هزینه فرصت استقراض بالا می‌رود و هزینه نگهداری انبارهای نفتی روی دریا یا خشکی افزایش پیدا می‌کند. در شرایطی مانند وضعیت کنونی بازارها که قیمت‌های آتی نفت بیشتر از قیمت فعلی است، اما این فاصله خیلی زیاد نیست که فرض کنید قیمت آتی قبلی یک دلار بیشتر از قیمت فعلی باشد، اگر دولت آمریکا و در واقع فدرال رزرو نرخ بهره را بالا ببرد، سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی بررسی می‌کنند که هزینه نگهداری یک بشکه نفت بیشتر از یک دلار است یا نه. فرض کنید بازار می‌گوید قیمت نفت ۲۸ دلار است اما یک ماه بعد ۲۹ دلار خواهد شد. در این صورت اگر افزایش نرخ بهره هزینه نگهداری یک بشکه نفت در یک ماه را افزایش دهد و به بیش از یک دلار برساند، طبعاً عده‌ای شروع به فروش انبارهای نفت خواهند کرد که قیمت‌ها را پایین می‌آورد.

پس افزایش نرخ‌های سود بهره بانکی در آمریکا و اروپا و ژاپن، به‌ویژه آمریکا می‌تواند از کانال‌های مختلف اثرگذار باشد و باعث کاهش قیمت نفت شود، زیرا عده زیادی ممکن است محموله‌های نفتی خود را برای فروش عرضه کنند، اما این قضیه به نرخ بهره و پیش‌بینی بازار از قیمت‌های آتی نفت برمی‌گردد، اگر افزایش نرخ بهره کم بود یا فاصله قیمت‌های آتی و قیمت‌های بازار نقد کم بود، ممکن است تغییر اندک نرخ بهره تأثیری نداشته باشد، اما اگر نرخ بهره بیشتر افزایش یابد تأثیرگذار است. اگر نرخ بهره پایین بیاید، قیمت نفت بالا خواهد رفت، درواقع رابطه عکس دارد. دلار هم چنین تأثیری دارد، چون نفت با قیمت دلار ارزش‌گذاری می‌شود، افزایش قیمت دلار اثر منفی روی تقاضا برای نفت و بر قیمت نفت خواهد داشت.

❧ اکنون که قیمت پایین آمده، وزارت نفت برای جبران کسری خود و بودجه کشور چه برنامه‌ای دارد؟ درآمد، حاصل‌ضرب قیمت در مقدار فروش است.

الان بهترین کاری که وزارت نفت می‌تواند انجام دهد افزایش فروش نفت در بازارهای بین‌المللی است، زیرا با فرض اینکه قیمت نفت در همین حد بماند، هرچه بیشتر بتوانیم بفروشیم درآمدمان بیشتر خواهد شد. گزارش‌هایی هم وجود دارد که نشان می‌دهد به دلیل قیمت‌های پایین، بخشی از تولیدکنندگان آمریکا از بازار خارج شده‌اند و پیش‌بینی شده به‌تدریج و به‌طور متوسط بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه از تولید غیرمتعارف آمریکا کاسته شود.

ادامه در صفحه ۵

بورس

چشم‌انداز مثبت بورس با اجرای برجام

محمدباقر آبادی - کارشناس اقتصادی

● شرق: معاملات روز چهارشنبه گذشته با رشد قیمت سهام بسیاری از شرکت‌ها همراه بود. این معاملات که با نزدیک‌شدن به روز لغو تحریم‌های بین‌المللی و اجرایی‌شدن طرح برجام حجم بالایی را تجربه کرد، موجب شد شاخص بورس با رشدی کم‌نظیر در چهار ماه گذشته از نیمه کانال ۶۳هزارواحدهی عبور کند و بازدهی سهام‌داران را از ابتدای زمستان تا امروز به بیش از سه درصد برساند. گروه‌های بانکی، خودرویی، شیمیایی و ساختارمندی در معاملات هفته گذشته، مثبت، پرتقاضا و همراه با صف‌های خرید بودند و پیش‌بینی می‌شود در هفته پیش‌رو نیز با استقبال معامله‌گران همراه باشند. همچنین افزایش رشد و حجم معاملات نشان می‌دهد بازار پتانسیل جذب نقدینگی جدید را دارد، البته سرمایه‌گذاران باید به‌دور از رفتارهای هیجانی اقدام به سرمایه‌گذاری کنند. در پایان معاملات هفته منتهی به ۲۳ دی‌ماه ۱۳۹۴، شاخص کل با ۸۸۴ واحد افزایش نسبت به هفته قبل، به رقم ۶۳هزار۵۱۷ واحد رسید. شاخص بازار اول با ۶۶۶ واحد افزایش به رقم ۴۳هزار۶۶۳ واحد بالغ شد و شاخص بازار دوم با هزارو ۶۵۵ واحد افزایش عدد ۱۴۳هزارو ۴۸۲ واحد را تجربه کرد و به ترتیب با ۱۰۵۵ درصد و ۱۰۷ درصد افزایش نسبت به هفته قبل مواجه شدند. در پنج روز کاری این هفته، ارزش کل معاملات سهام به حق تقدم به ۱۰هزارو ۷۸۵ میلیارد ریال بالغ شد که نسبت به هفته قبل ۴۰ درصد کاهش یافته است. همچنین ارزش معاملات نیزال به ۱۰هزارو ۷۸۵ میلیارد ریال رسید و حجم معاملات نرمال با پنج‌هزارو ۴۲۹ میلیون سهم به‌ترتیب با ۶۰ درصد و ۵۳٫۶ درصد افزایش نسبت به هفته گذشته همراه شدند. اوراق رهنی، اوراق بهداشتی است که به منظور خرید مطالبات رهنی به وسیله ناشر منتشر می‌شود. مطالبات ناشی شامل مطالبات مدت‌دار اشخاص حقوقی ناشی از قراردادهای مبادله‌ای از قبیل فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و جعاله (به استثنای سلف) است که وثیقه رهنی دارند. این اوراق می‌تواند برای تأمین مالی اشخاص حقوقی که در چارچوب قوانین و مقررات نسبت به انعقاد قراردادهای تأمین مالیی در قالب عقود مبادله‌ای اقدام می‌کنند، استفاده شود.

عنوان شاخص	۱۶ دی	۲۳ دی	تغییر
کل	۶۲۶۳۳۸	۶۳۵۱۶۹	۸۸۴٫۱
شاخص قیمت	۲۴۹۹۳۳	۲۴۶۳۱۰٫۹	۳۳۸۰٫۶
شاخص کل (وزنه‌دار)	۱۰۰۵۹۷	۱۰۰۲۷۵٫۱	۱۸۸٫۶
شاخص قیمت (وزنه‌دار)	۸۵۳۸۸	۸۶۹۳۴	۱۵۴٫۶
آرژد شاوور	۶۹۳۰۵۰۸	۷۰۷۴۳۳	۱۴۴۴٫۵
۵۰ شرکت بزرگ	۲۵۳۱۰۲	۲۵۶۶۵	۳۵۳

ارز و طلا

تکانه‌های شدید دلار

● شرق: روز پنجشنبه هفته گذشته نوسان دلار به اوج رسید. فرازوفرودهای قیمت دلار چنان زیاد بود که ظرف چند دقیقه در مسیر افزایش قیمت می‌رفت و هنوز قیمت جدید در آذهان معامله‌گران ثبت نشده بود که بنای فروریختن می‌کرد. مصطفی قدرتی، معامله‌گر از و سکه، در گفت‌وگو با «شرق» نوسان‌های شدید دلار را چنین توصیف می‌کند: معاملات دلار در بازار روز پنجشنبه با سه‌هزارو ۶۵۰ تومان آغاز شد. فشار فروش به قدری به دلار فشار آورد که دلار تا سه‌هزارو ۶۰۸ تومان ریخت. این ریزش در طول ۱۰ دقیقه رخ داد. بعد از وقوع آن ۱۰ دقیقه ریزش قیمت، دلار این‌بار در مسیر صعود کام برداشت و تا سه‌هزارو ۶۲۰ تومان بالا آمد اما نتوانست خود را به قیمت اول صبح برساند. در واقع سایه خبر اجرای برجام بود که بیشترین فشار را بر قیمت دلار وارد کرد و آن را به سمت نزول هل داد. اونس جهانی طلا هم در آخرین روز کاری هفته ۲۰ دلار ریخت و هزارو ۷۸ دلار کلوز خورد. اونس جهانی طلا در روز جمعه تا هزارو ۹۲ دلار بالا آمد و بخشی از ریزش قیمت روز پنجشنبه را جبران کرد. سکه در جریان نزول قیمت اونس طلا و دلار ریخت و تا ۹۲۴ هزار و ۵۰۰ تومان پایین آمد. اما آخر وقت بازار خود را تا ۹۲۷ هزار تومان بالا کشید. در این روز حباب منفی پنج‌هزارتومانی سکه به حباب مثبت ۱۰هزارتومانی تبدیل شد.

ارز +	قیمت (تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۶۲۰۰	۳۳۲
یورو	۳۹۹۰۰	۲۰۰
پوند	۵۳۳۰۰	-
درهم	۱۰۰۰۰	۵۰

طلاو سکه +	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۲۷۰۰۰	۷۰۰۰۰
طرح قدیم	۹۲۶۰۰۰	۶۰۰۰۰
نیم	۴۶۹۰۰۰	۳۵۰۰۰
ربع	۲۵۳۰۰۰	۳۰۰۰۰
گرمی	۱۷۰۰۰۰	-
گرم ۱۸ عیار	۹۴۶۰۰	۱۷۰۰
اونس + (دلار)	۱۰۷۸	۱۲